

«به نام حضرت دوست، که هر چه هست و نیست، همه از آن اوست»

گزیده‌ای از سخنان حکمت‌آموز جامع، که توسط الهامات درونی، از عالم بالا، به استاد «محمد رضا یحیایی» عطا شده است:

- ۱- یک ساعت تحقیقات برای کسب علم و معرفت و حقیقت در راه خدا، بهتر از هفتاد سال تفکر بدون علم و عمل و معرفت می‌باشد.
- ۲- سجاده مؤمن، باند پرواز به سوی ملکوت خداست.
- ۳- احمق‌ترین افراد کسی است که، دوست خوب و صادقی برای خودش نباشد (یعنی با خودش دشمن و قهر و غریبه باشد).
- ۴- گذشته، پُلی برای موفقیت در آینده است.
- ۵- گذشته در نزد خردمندان، پُلی محکم و استوار برای آینده و فردایی بهتر است.
- ۶- نگاه درونی مؤمن به دنیا، آئینه تمام‌نمای آخرت است.
- ۷- افراط و تفریط، دو فرمانده قدرتمند لشکریان شیطان بزرگ می‌باشند.
- ۸- از افراط و تفریط بپرهیزید؛ زیرا آن دو، از فرماندهان قدرتمند لشکریان شیطان بزرگ می‌باشند.
- ۹- هر چه در دنیا بکارید، در آخرت درو می‌کنید (هر چه در این دنیا بکاری، آنرا در آخرت درو می‌کنی).
- ۱۰- اعمالتان در کره خاکی، بازتابی می‌شود در آخرتتان (آخرتمان، بازتابی است از اعمالمان در کره خاکی).
- ۱۱- صمیمیت حقیقی و ایمان قوی، تنها از درون قلب سلیم انسان مؤمن، تراوش می‌کند.
- ۱۲- بوسیله شستشو دادن بدن با آب (وضو و غسل) به همراه نیت الهی، تمامی ناپاکی‌های بیرونی و درونی خود را از بین ببرید.
- ۱۳- هرگاه شک از طریق فکر وارد قلب گردد، ایمان و نور از قلب بیرون رود.
- ۱۴- اگر با یک سلول ارتباط برقرار کنید، مثل این است که با یک کهکشان ارتباط برقرار کرده‌اید.
- ۱۵- ذهن انسان آنقدر قویست، که به هر چه فکر کند، می‌تواند آنرا بسازد.
- ۱۶- ما باید یاد بگیریم که چیزی از مخلوقات خداوند نخواهیم، تا اگر آن چیز از طرف خداوند به ما داده شد، خوشحال شویم.
- ۱۷- اگر با درونتان ارتباط برقرار کنید، مثل این است که با درون انسانها ارتباط برقرار کرده‌اید.
- ۱۸- تجلی آگاهی و نور الهی، از تاریک‌ترین و عمیق‌ترین نقطه درون شخص پرهیزکار، به بیرون فوران کرده و شخص به روشن‌شدگی می‌رسد.
- ۱۹- به تعداد مخلوقات آفریده شده، راه کمال به سوی خداشناسی وجود دارد، و هر کسی به یک نحو و به اندازه ظرفیت خود، به آن دسترسی پیدا می‌نماید.
- ۲۰- برای رسیدن به خداوند حکیم و دانا، فقط دو قدم لازم است؛ یک قدم به طرف خود (خودشناسی) و قدم دوم به طرف خداوند (خداشناسی).
- ۲۱- نور خداوند آنقدر عیان است که احتیاجی نیست برای پیدا کردنش دست به سفرهای برون‌مرزی بزنیم؛ بلکه فقط باید سفری به درون نماییم.

- ۲۲- درخشندگی تجلی آگاهی و نور الهی، چشم هزاران هزار نفر را به سوی خود جلب، و دل هزاران هزار نفر را به سوی خود جذب، و عشق هزاران هزار نفر را به سوی خود وصل می‌کند.
- ۲۳- انسانهایی که به روشنایی (خودشناسی و خداشناسی) رسیده‌اند، منشاء خیر و برکت می‌باشند.
- ۲۴- حقیقت وجودی آفرینش را از درون خود بجوید.
- ۲۵- اساتید باید ابتدا نور هدایت‌کننده درونی و الهی خود را فعال کرده، و آنگاه توسط آن نور اشراق، دیگران را هدایت نمایند.
- ۲۶- اساتید توسط نور هدایت‌کننده درونی و الهی خود، اطرافیان را تحت تأثیر اشراق الهی قرار داده و هدایت می‌کنند.
- ۲۷- افراد پرهیزکار و مقدس، آنقدر رخنه در سیرِ اِلَی‌الله کرده‌اند، که تمام سلول‌های بدنشان، با خداوند متعال عجین گشته‌اند.
- ۲۸- دانشمندان حقیقی، کسانی هستند که، دنیا را در راه کسب معرفت الهی، سه طلاقه کرده‌اند.
- ۲۹- همانطوری که زندگی در حال حرکت و رو به رشد است، علم و معرفت و حکمت هم، در حال تغییر و رو به تکامل است.
- ۳۰- هیچ نیرویی کارسازتر از نیروی معرفت الهی که به همراه علم و عمل باشد، در جهان وجود ندارد.
- ۳۱- هر کجا که مهر و محبت باشد، دل انسانها همان جاست.
- ۳۲- قبل از اینکه خیلی دیر شود، باید توشه‌ای برای سفر آخرت فراهم کرد. زیرا زمانی که گذشت، دیگر هیچ‌گاه باز نمی‌گردد.
- ۳۳- تغذیه ناپاک (جسمی، ذهنی، روحی) خون کثیف در بدن (جسمی، ذهنی، روحی) تولید کرده، و باعث ایجاد حجاب‌های هفتگانه ظاهر و باطن شخص می‌گردد.
- ۳۴- هر لقمه‌ای که خورده شود و حرام باشد؛ یک پله انسان را از ملکوت خداوند متعال دور کرده، و یک پله انسان را به قعر سیاهچاله شیطان رجیم نزدیکتر می‌نماید.
- ۳۵- انسان هر چقدر بارِ معلوماتش بیشتر شود، سؤالات و مجهولات بی‌شماری گریبانگیرش می‌گردد؛ و این امر، نشان‌دهنده علم و حکمت بی‌کران الهی می‌باشد.
- ۳۶- علم و عمل، دو بال برای پرواز به سوی قله‌های ترقی می‌باشد.
- ۳۷- علم و عمل، دو بال پرواز خردمند است.
- ۳۸- خردمند کسی است که، از خودشناسی به خداشناسی برسد.
- ۳۹- ما باید از عمق وجودی خود (چشم‌دل و چشم‌بصیرت)، ابتدا معادن غنی معرفت و حقیقت و نور اشراق را استخراج کرده، و مواد اولیه و خام آنرا از کوره تجربه و آزمایش الهی عبور داده، و آنگاه گوهر وجودی خود را تبدیل به ناب‌ترین اشکال انوار الهی نماییم.
- ۴۰- هر کسی که لباس کبر و غرور و خودخواهی و منیت را از تنش درآورد و با توکل به خدا و جهت کسب رضایت خداوند متعال، بجای آن، لباس خدمتگذاری به مردم (مؤمنین و بندهای خوب خدا) را بپوشد؛ خداوند بخشنده و مهربان، لباس عافیت و عزت و احترام و سلامتی «جسمی، ذهنی و روحی» را در دنیا و آخرت، نصیبش می‌گرداند.

۴۱- دلاوران و جنگجویان با شمشیرهای خود و با ریختن خون‌های زیاد و خرابی و نابودی، شهرها را فتح می‌کنند؛ ولی بزرگان و علما و دانشمندان، با علم و درایت و مهر و محبتشان، و مخصوصاً با آبادانی و خیر و برکت و گشایش، قلب مردم دنیا را تصاحب می‌نمایند.

۴۲- ما وقتی بهترین‌ها در جهان (دنیا و آخرت) هستیم که، بهترین آفریننده (الله) با ما باشد. پس، ما باید با تمام وجودمان خداوند را قبول نماییم (خاضعانه و خاشعانه، مخلصانه و متواضعانه) تا اینکه خداوند قادر مطلق، ما را در حیطة قدرت نور و آگاهی الهی خود قرار دهد (خلیفه‌الله)؛ در این صورت هیچ نیروی منفی و اهریمنی، یارای مقابله با ما را ندارد. در حالی که اگر در حیطة قدرت نور و آگاهی الهی نباشیم، حتی از پشه‌ای هم ضعیف‌تر خواهیم بود.

۴۳- احترام گذاشتن به معلمان زمینی (اولیاءالله (س)) در سیر و سلوک و زندگی واجب است، اما پرستیدن آنها کفر است.

احترام گذاشتن و عمل کردن به گفته‌های معلمان آسمانی (ائمة اطهار (ع) و پیامبران (ص)) در سیر و سلوک و زندگی واجب است، اما پرستیدن آنها کفر است.

پرستش خداوند قادر مطلق (خالق) در تمام لحظات زندگی، آنها با تمام ابعاد وجودی (جسمی، ذهنی، روحی) واجب و ضروریست، و نپرستیدن او (خدا) کفر و شرک است.

۴۴- احمق کسی است که، نتواند برای خودش دوست خوبی پیدا کند.

احمق‌تر کسی است که، دوستان خوب خود را از دست بدهد.

احمق‌ترین افراد کسی است که، دوست خوب و صادقی برای خودش نباشد (یعنی با خودش دشمن و قهر و غریبه باشد).

۴۵- یک‌بار به نیروهای منفی، نه گفتن، یک عمر راحتی می‌آورد.

۴۶- انسانهای بزرگ، نتیجه اعمال و اشتباهات خود را به گردن دیگران نمی‌اندازند.

۴۷- به نام حضرت دوست، که فکر و ذهن عارفان، همه به طرف اوست.

۴۸- به نام حضرت دوست، که آرامش قلبها، همه به دست اوست.

۴۹- به نام حضرت دوست، که عشق ما، همه جاذبه اوست.

۵۰- به نام حضرت دوست، که یاد ما، همه به طرف اوست.

۵۱- به نام حضرت دوست، که قلبهای ما، همه به سمت اوست.

۵۲- مرز بین راه «خوبی و بدی»، «قضا و قدر»، «جبر و اختیار» از تار مو نازکتر، و از شب سیاه، تاریکتر است.

به همین خاطر، روندگان در این راه، در خطر و کمین شیطان خواهند بود. پس، روندگان در این راه، بدون

داشتن استادی دانا، حکیم، خردمند، باتجربه، عالم، محقق، دانشمند، شجاع، مدبر، روشن‌بین و باتقوای الهی،

به هیچ وجه ممکن، قدم به این راه هزار پیچ و هزار رنگ، نگذارند. زیرا احتمال گمراهی و حتی نابودی مطلق،

وجود دارد.

۵۳- اگر ما، پیشانی‌مان را در راه رضای خداوند متعال به خاک و عبادت بندگی نماییم (خُشوع و خُضوع و تواضع

خالصانه در مقابل خداوند حکیم)؛ مطمئناً توسط شیطان، دماغ‌مان به خاک ذلت و بردگی (گناهان کبیره)

مالیده می‌شود.

۵۴- آخرت، حقیقتی است، در منشور دنیا.

۵۵- آینده، همه چیز را نشان خواهد داد.

- ۵۶- همه چیز، دست همه کس است؛ همه چیز، نزد همگان می‌باشد.
- ۵۷- یک دانشمند خردمند و جامع، اجازه ندارد که چیزی را تحقیر نماید، بلکه باید آنرا تکمیل نماید.
- ۵۸- کسی که نتواند دیگران را ببخشد، آرامش درونی نخواهد داشت، و مورد رحمت و بخشش خداوند، قرار نخواهد گرفت. اگر کسی تمامی کارهایش خدایی باشد، خداوند هم، گره‌گشای درهای بسته‌اش خواهد بود؛ انشاء‌الله.
- ۵۹- اگر شاگرد سیرِ الی‌الله، بال‌های علم و عمل خود را به‌دست فرامین و دستورات استاد خود بسپارد؛ مطمئناً استاد، شاگرد را به‌طرف نور الهی که هدف نهایی و تکامل هر انسانی می‌باشد، خواهد رساند.
- ۶۰- عاشق، با مُرکبِ خون و قلمِ استخوانِ خود، روی صفحه (پوست) کتابِ آفرینش، قانونِ عشقِ الهی را می‌نگارد.
- ۶۱- استاد الهی، شاگردانِ متقیِ خود را به‌مانند عقابی تیز پرواز، با دو بالِ علم و عمل، دو چشمِ دل و بصیرت، قلبی سرشار از عشقِ الهی، چنگال‌های پُرتوانِ توکل به خدا، و سری پُر از افکار مثبت و امید به آینده‌ای روشن، تعلیم و تربیت و پرورش داده، و آنها را در آسمانِ بیکرانِ عجایبِ خلقتِ خداوندِ حکیم، رها می‌کند؛ باشد که شکاری مناسب و مفید، برای ارتقاءِ سطحِ تکاملیِ خود و دیگران، که همانا «لِقَاءِ‌الله» و رسیدن به معبود و خالق هستی می‌باشد، صید نمایند؛ انشاء‌الله.
- ۶۲- انسان‌هایی که در عمق بی‌کرانِ اقیانوسِ علم و معرفتِ الهی، با توکل بر خداوندِ حکیم، و توسل بر استادی پرهیزکار و دانا، غواصی می‌کنند، هیچ‌گاه گمراه نمی‌شوند.
- ۶۳- شکست، تجلیِ پیروزی در آیینۀ تجربهٔ خردمندان است.
- ۶۴- از اشتباهات خود، پُلی برای پیروزی بسازید.
- ۶۵- به‌نام حضرت دوست، که گفتار و کردار و پندار نیک، همه از آن اوست.
- ۶۶- به‌نام حضرت دوست، که گفتار و کردار و پندار نیک، همه خوشایند اوست.
- ۶۷- آدب، میوه‌ای از درختِ به‌ثمر رسیدهٔ حکمت است.
- ۶۸- حکمت، شاخه‌ای از درختِ حقیقتِ الهی است.
- ۶۹- طوری زندگی کنید که در لحظهٔ مرگ، از روشِ زندگیِ خود، راضی باشید.
- ۷۰- مسلمان، تنها توسطِ طلسمِ کردنِ اسلام ناب در نزد خود است که مؤمن می‌شود.
- ۷۱- همانا طلسم‌کردن چیزی، به آن چیز مُسلط شدن و عَجین شدن با آن، آن‌هم با تمام وجود می‌باشد.
- ۷۲- مخلوقاتِ خداوند را همانگونه که خلق شده‌اند ببینید و درکشان کنید، نه آنگونه که شما فکر می‌کنید و از آنها انتظار دارید.
- ۷۳- دانشمندان و خردمندان جامع، فقط تماشاگرِ آسرارِ الهی می‌باشند.
- ۷۴- انسان‌های بزرگ و وارسته، گفتار و اعمال و تفکراتشان را تحت کنترلِ «خودِ الهی»‌شان، قرار می‌دهند؛ ولی انسان‌های پست و کوچک، گفتار و اعمال و تفکراتشان را، تحت کنترلِ «خودِ شیطانی»‌شان، قرار می‌دهند.
- ۷۵- اشتباه نکردن در انجام کارها، حکمت (خرد) را به‌همراه دارد.
- اشتباه کردن بار اول در انجام کارها، تجربه را به‌همراه دارد.
- اشتباه کردن بار دوم در انجام کارها، حماقت را به‌همراه دارد.
- ۷۶- نماز، دژِ محکمی برای جلوگیری از ورودِ شیطان به حریمِ دلِ انسان می‌باشد.
- ۷۷- زرنگ‌ترین افراد، کسانی هستند که فقط با خداوندِ بخشنده و مهربان، تجارت می‌کنند.

- ۷۸- اگر کاری را نهصد و نود و نه (۹۹۹) بار درست انجام دادید و پیروز شدید، مغرور نشوید. زیرا، احتمال دارد که در هزارمین (۱۰۰۰) بار اشتباه کنید و شکست بخورید. پس، همیشه و در همه حال، آماده باشید و احتیاط کنید. چونکه، آمادگی و احتیاط شرط عقل و درایت خردمندان است.
- ۷۹- عاقل‌ترین و خردمندترین مردم کسی است که مفیدترین و جامع‌ترین علوم را برای پیشرفت و آگاهی خود، از اهل فن آن علم، فرا گرفته و در نزد خود گردآوری نموده باشد؛ این شخص یک «دانشمند» است؛ و دانشمندی که به علم خود عمل نماید، به حکمت خواهد رسید و «حکیم» می‌گردد.
- ۸۰- کلید آسرار علوم مختلف، نزد همگان است؛ و خداوند متعال به هر کسی فقط یک مقدار از آنرا هدیه می‌دهد. اگر کسی بتواند تمامی این علوم را با درایت و احترام گذاشتن به دیگران برای خودش جمع‌آوری نماید، به بالاترین نقطه علمی و معرفتی (جامع) خواهد رسید.
- ۸۱- برای داشتن دنیایی آباد و سالم، باید هر کسی سر کار خودش باشد.
- ۸۲- اینقدر نگوییم: مأمورم و معذور؛ بلکه بگوییم: مأمورم و مسئول.
- ۸۳- زمانی که ما به فکر استراحت و آرامش و راحتی هستیم، دشمن در حال آماده‌باش برای حمله به ما است.
- ۸۴- آنقدر خودتان را پالایش کنید، تا به لطافت برسید. و بوسیله لطافت، پرواز به سوی ملکوت خداوند را، تجربه کنید.
- ۸۵- دنیا، سکویی برای پرواز به سوی ملکوت خداست.
- ۸۶- انسانهای خردمند و حکیم، دنیا را سکویی برای پرواز به سوی ملکوت خداوند، قرار می‌دهند.
- ۸۷- بوسیله جوانمردی می‌توان مسابقه را بُرد و به پهلوانی رسید. و بوسیله فرصت‌طلبی می‌توان رقیب را از دور رقابت خارج کرده و به قهرمانی رسید. پس، پهلوانی از آن جوانمردان، و قهرمانی از آن فرصت‌طلبان است.
- ۸۸- تمام هستی، در حال عبادت خداوند، توسط امواج آذکار الهی، به صورت شکرگزاری و تسبیح خداوند متعال، می‌باشد.
- ۸۹- به کمک موسیقی می‌توان فرد عصبی را آرام، و یا شخص در حال آرامش را عصبانی نمود.
- ۹۰- غذای روح انسان باید متنوع باشد، تا اینکه کِسل و افسرده نگردد.
- ۹۱- چله‌نشینی جامع، مانند زمین کشاورزی می‌باشد. هر چیزی که در آن بکارید؛ به نسبت مراقبت و نگهداری از آن، همان را برداشت خواهید کرد؛ نه بیشتر و نه کمتر.
- ۹۲- دریا دل و صبور و بی‌مُدعا باشید؛ و خودتان را در اعماق وجود اقیانوس بیکران الهی، غرق نمایید؛ تا بتوانید به خودشناسی و خداشناسی، دسترسی پیدا کنید.
- ۹۳- دام شیطان بسیار خطرناک و فریبنده می‌باشد.
- ۹۴- دعای جامع استاد حکیم:
- «ای خدای بزرگ، «ظرفیتی» به من بده، که بتوانم بوسیله آن، دریا دل باشم؛ «معرفتی» به من بده، که بتوانم بوسیله آن، تو را بهتر بشناسم؛ «برکتی» به من بده، که بتوانم بوسیله آن، گشایشی برای خود و دیگران داشته باشم؛ «حکمتی» به من بده، که بتوانم بوسیله آن، به آسرار و رازهای امور پی ببرم؛ «حقیقتی» به من بده، که بتوانم بوسیله آن، حقایق دنیا و آخرت را ببینم؛ و در نهایت، «نوری» به من بده، که بتوانم بوسیله آن، با تو عَجین شوم.»
- ۹۵- انسانهای وارسته، فکرهای بزرگ در سر دارند؛ ولی گام‌هایشان را کوتاه، مداوم و با احتیاط برمی‌دارند.

- ۹۶- ما باید مراقب باشیم که با نردبانمان، دیگران را به یغما نبرند (مراقب باشید، مبادا با نردبان شما، سرمایه دیگران را به یغما ببرند).
- ۹۷- هر کاری با پُرکاری به نتیجه می‌رسد.
- ۹۸- آموختن و درک علمِ مطالب قرآنی و مخصوصاً عمل کردن به آنها بطور جامع و کامل و خالص، می‌تواند علاوه بر آباد کردن دنیای مادی، دنیای آخرت‌مان را هم تضمین نماید.
- ۹۹- بودن هزار عالم در یک روستا کم، و بودن یک جاهل در یک شهر زیاد است.
- ۱۰۰- همانطوری که نور و انرژی خورشید فقط به گیاهانی می‌خورد که سر از خاک بیرون آورده‌اند؛ به همان شکل هم، نور و انرژی الهی، فقط به افرادی می‌رسد که سر از جهل و تاریکی و تعصب بیرون می‌آورند. همانطوری که گیاهان بوسیله نور و انرژی خورشید به رشد و نمو خود ادامه داده و به تکامل می‌رسند و در نهایت به بار می‌نشینند و از ثمره آن درختان و گیاهان، دیگران هم استفاده می‌نمایند؛ به همان شکل هم، انسانهای باتقوی و باایمان، توسط نور و انرژی الهی هدایت شده و به تکامل الهی خود خواهند رسید، و در نهایت، نور این بزرگواران (عارفان الهی - اولیاءالله) راه‌گشای راه انسانهای گم‌گشته در سیر و سلوک سیرِ الی‌الله خواهد بود؛ انشاءالله.
- ۱۰۱- انسانهای وارسته و خردمند به جای تحمیل سلیقه‌ها به دیگران، به فکر تکمیل علوم برای پیشرفت بشریت می‌باشند.
- ۱۰۲- انسان، کامل و جامع است، نه جزء و تک بعدی.
- ۱۰۳- خداوند حکیم، علم را به انسان متواضع می‌دهد، و از انسان متکبر می‌ستاند.
- ۱۰۴- انسانهای ضعیف‌النفوس می‌گویند: «انسان، جایز‌الخطاست.» ولی انسانهای وارسته و پرهیزکار می‌گویند: «انسان، ممکن‌الخطاست.»
- ۱۰۵- مردان بزرگ، به مانند درخت تنومند و سر به فلک کشیده می‌باشند. آنها برکت (سایه و میوه) خود را حتی از دشمنانشان دریغ نمی‌کنند. هر چقدر مردان بزرگ توان‌تر باشند، دشمنان بیشتری پیدا خواهند کرد. مردان بزرگ، دوستان بسیار کمی دارند، ولی دشمنانشان زیاد می‌باشد. مردان بزرگ، همیشه تنها هستند. به همین خاطر، آنها تنها به خداوند متعال توکل کرده و بجز خداوند قادر مطلق از هیچ‌کس کمک نمی‌خواهند.
- ۱۰۶- واقعی‌ترین قسمت وجودی انسان، در خواب صادقانه نمایان می‌گردد.
- ۱۰۷- با یک سنگ بزرگ، نمی‌توان جلوی سیلِ خروشان را گرفت.
- ۱۰۸- آنجاکه معرفت و نور الهی بدرخشد، جهل و تاریکی شیطانی، راهی ندارد.
- ۱۰۹- شیفا را از درون خود بجویید.
- ۱۱۰- سُلطه‌جویی و جنگیدن و قدرت‌طلبی، ویژگی کسانی است که از درون احساس ناامنی و ضعف و تهی بودن می‌کنند.
- ۱۱۱- بهترین طریقت و سیر و سلوک، سیرِ الی‌الله می‌باشد.
- ۱۱۲- انسان باایمان و باتقوی و عالم، احتیاجی به خودنمایی و ثابت کردن علم و معرفت و قدرت خویش ندارد. زیرا کسانی که باید بفهمند، خودشان متوجه می‌گردند.

- ۱۱۳- کسی که به آرامش و ظرفیت و معرفت و حکمت و حقیقت درونی دسترسی پیدا نماید، متلاطم بودن فضای اطراف، و ناملایمات روزگار، نمی‌تواند او را از مأموریت مقدس الهی‌اش دور نماید.
- ۱۱۴- قدرت بیرونی را باید از آرامش درونی و انرژی‌های الهی، کسب نمود.
- ۱۱۵- وارد شدن به طریقت‌دانی و هنرهای رزمی جامع، مستلزم داشتن پنج خصلت مردانه ستاره قدرت، یعنی: پاکی، صداقت، صبر، استقامت، و تواضع (احترام)، می‌باشد.
- ۱۱۶- با بهره‌مندی از علم مثلث قدرت «جسمی» و «ذهنی» و «روحی»، نیروهای بیکران الهی را بدست آورید.
- ۱۱۷- کسی که در راه رضای خداوند متعال، خود را «فنا فی الله» می‌کند؛ خداوند بخشنده و مهربان، آن شخص را به مقام «بقاءالله» بالا می‌برد؛ آنگاه، معرفت و حکمت و حقیقت و آگاهی و نور الهی، در ظاهر و باطنش، متجلی و نمودار می‌شود.
- ۱۱۸- خداوند متعال، بوسیله نور و آگاهی الهی است که با مخلوقات خود ارتباط برقرار می‌نماید.
- ۱۱۹- خداوند متعال، برای اینکه تمامی موجودات و مخلوقات جهان آفرینش، احساس تنهایی نکنند، آنها را بوسیله امواج نامرئی (صدای بی‌صدا- ذکر الهی)، به کانون نور و آگاهی الهی، متصل نموده است.
- ۱۲۰- اگر در جامعه‌ای، افراد روشن‌بین وجود داشته باشند، آن جامعه می‌تواند سلامتی خود را حفظ کند؛ به شرطی که از راهنمایی‌های ایشان (روشن‌بینان الهی)، استفاده‌های لازم و ضروری را ببرد.
- ۱۲۱- اگر مقداری از «انرژی درونی استاد» داخل بدن کسی نفوذ کند، مطمئناً آن شخص بدون کوچک‌ترین زحمتی، وارث آن مقدار از «انرژی استاد» خواهد شد؛ طوری که در مدت‌زمان بسیار کوتاهی، اطرافیان آن شخص، تغییرات ناگهانی و شگرفی را در او مشاهده خواهند کرد. این نکته را باید در نظر داشت که؛ «انرژی هیچ‌گاه از بین نمی‌رود، بلکه از شکلی به شکل دیگری تبدیل خواهد شد.» این، قانون انرژی خلقت است.
- ۱۲۲- با نگاه مادی و دنیوی، نمی‌توان به «روشنایی درونی» که موهبتی الهی و ملکوتی است، نگریست. زیرا باعث از بین رفتن و تاریکی آن می‌شود.
- ۱۲۳- روشنایی درونی، گوهر بالارزشی است که خداوند حکیم، آنرا در درون انسان قرار داده، و تنها بوسیله چشم‌دل و چشم‌بصیرت الهی، می‌توان به آن دسترسی پیدا کرد.
- ۱۲۴- توسط «روشنایی درونی» می‌توان سیر الی‌الله را طی طریق کرد.
- ۱۲۵- با توکل خالصانه به خداوند رحمان و رحیم، نگاه خداوند به درون انسان جلب شده، و با جذب رحمت و نور الهی، «روشنایی درونی» انسان، درخشان و درخشنده‌تر می‌شود.
- ۱۲۶- کسی که به مرحله خودشناسی حقیقی می‌رسد، صفات پست و رذیله حیوانی و شیطانی از او دور شده، و به‌جای آن، صفات پسندیده ملکوتی و الهی جایگزین می‌شود. این‌گونه افراد، هر کاری را توسط نیروی الهی انجام می‌دهند؛ یعنی اینکه دستشان یدالله، و ... چشمشان عین‌الله می‌شود.
- ۱۲۷- آمادگی در هر لحظه باعث تمرکز حواس، و احساس امنیت کاذب باعث عکس‌العمل نادرست هنگام بروز حادثه می‌شود.
- ۱۲۸- خداوند متعال راه میان‌بر و کوتاهی را بصورت فرمول سَرّی برای طی کردن سیر الی‌الله قرار داده است. و به واسطه روحیه جوانمردی و گذشت و مهر و محبت و ایثارگری بنده صالح، نور الهی (چشم‌دل و چشم بصیرت) و روشن‌بینی الهی، به ایشان مرحمت می‌شود. این است بهترین هدیه الهی به بندگان مخلص و صالح سیر الی‌الله.

۱۲۹- اگر فرد عادی گمراه شود، فقط باعث گمراهی و هلاکت خود خواهد شد. ولی اگر یک فرد دانشمند و عالیم گمراه شود، یک گروه یا شاید یک جامعه را به گمراهی و هلاکت بکشاند. پس بارِ مسئولیت علما و دانشمندان خیلی سنگین‌تر از افراد عادی جامعه می‌باشد. زیرا خداوند قبل از اینکه از نادانان پیمان بگیرد برای کسب علم، از علما پیمان گرفته است برای تعلیم علم و دانش و معرفت به افراد نادان.

۱۳۰- اساتید دانا و حکیم در طریقت هنرهای رزمی جامع، از کوچک‌ترین حرکت در طبیعت و رفتار حیوانات در محیط اطراف خود، بیشترین و کامل‌ترین برداشت‌ها را نموده، و به‌صورت تکنیک‌های پیشرفته از آن استفاده می‌کنند.

۱۳۱- ارزش هر کس به اندازه همت و آگاهی و معرفت اوست، نه به ظاهر و مقام و پول و لباسش.

۱۳۲- اساتید طریقت هنرهای رزمی جامع، به‌قدری دوستدار بالابردن سطح آمادگی «جسمی و ذهنی و روحی» شاگردان و مخصوصاً کسانی که خالصانه دنبال کسب معرفت و آگاهی می‌روند، می‌باشند؛ که وقتی به شاگردی متواضع برخورد می‌نمایند، و احساس می‌کنند که باید به آن کمک کنند، به‌وسیله متمرکز کردن انرژی و آگاهی خود و انتقال دادن آن به‌صورت سحر کلام، شاگرد را در یک لحظه، به‌سطح آگاهی بالاتری هدایت می‌نمایند. توسط همین انرژی‌های اساتید است که شاگردان امروزی به اساتید فردا تبدیل می‌شوند.

۱۳۳- اساتید طریقت دانایی، توسط انرژی‌های درونی اشخاص، آنها را شناخته، و به کمک انرژی‌های درونی و آگاهی‌های کیهانی و الهی خود، هدایت‌شان می‌نمایند.

۱۳۴- مراحل تکامل انسان، عبارتند از:

شریعت و طریقت، ظرفیت و معرفت، علم و عمل، حکمت و حقیقت، و نور.

۱۳۵- عوامل پیشرفت در خودشناسی و خداشناسی، عبارتند از:

پاکی، صداقت، صبر، استقامت و تواضع (احترام).

۱۳۶- مقدمه خودشناسی و معرفت، پالایش و تغذیه سالم و سلامتی جسم و ذهن و روح می‌باشد.

۱۳۷- خداشناسی همان خودشناسی می‌باشد، و خودشناسی همان خودشکنی می‌باشد.

۱۳۸- خواندن نماز در دل شب (نماز شب) با خُضوع و خُشوع کامل، نشانه عشق به خدا می‌باشد.

۱۳۹- خداوند متعال و خالق هستی، در عالم نور، ابتدا نور سبز حضرت محمد(ص) را به بهترین شکل ممکن خود خلق نمود. آنگاه از آن نور، نور حضرت امام علی(ع) و نور حضرت فاطمه زهرا(س) خلق شد. سپس از آن دو نور، نور حضرت امام حسن(ع) و نور حضرت امام حسین(ع) خلق شد. در آن زمان بود که نور پنج تن آل‌عباد(ع) تمام جهان آفرینش را درخشان نمود. بعد از نور حضرت امام حسین(ع)، نور حضرت امام سجاد(ع) خلق شد. آنگاه از آن نور، نور حضرت امام محمد باقر(ع) خلق شد. آنگاه از آن نور، نور حضرت امام جعفر صادق(ع) خلق شد. آنگاه از آن نور، نور حضرت امام موسی کاظم(ع) خلق شد. آنگاه از آن نور، نور حضرت امام رضا(ع) خلق شد. آنگاه از آن نور، نور حضرت امام محمد تقی(ع) خلق شد. آنگاه از آن نور، نور حضرت امام علی‌النقی(ع) خلق شد. آنگاه از آن نور، نور حضرت امام حسن عسکری(ع) خلق شد. آنگاه از آن نور، نور حضرت امام زمان، مهدی موعود(عج) خلق شد. در اینجا بود که نور چهارده معصوم، ائمه اطهار(ع) تکمیل شد و جهان آفرینش را برای بار دوم درخشان نمود. در واقع، آنوار چهارده معصوم(ع) شعاع‌های نورانی می‌باشند که از آنوار الهی سرچشمه می‌گیرد.

پس از آن، با کاهش درجات نور، نور ۱۲۴۰۰۰ پیامبر(ص) به‌ترتیب مقام خلوص خلق شد [مثل: حضرت

آدم(ع)، حضرت نوح(ع)، حضرت ابراهیم(ع)، حضرت داود(ع)، حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی مسیح(ع)،

حضرت یوسف(ص)، حضرت ایوب(ص)، حضرت یونس(ص)، حضرت الیاس(ص)، حضرت خضر(ص)، و غیره]. در اینجا بود که نور پیامبران(ص)، تکمیل شد و جهان آفرینش را برای بار سوم درخشان نمود. پس از آن، با کاهش درجات نور، نور اولیاءالله(س) به ترتیب مقام خلوص خلق شد [مثل: مقدس اردبیلی، مجتهدی، رجبعلی خیاط، حاج آقا دولابی، میرزا ملکی تبریزی، شیخ مفید، شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، لاثو تزو، کنفوسیوس، شیخ بهایی، ملاصدرا، حافظ، مولانا، و غیره]. در اینجا بود که نور اولیاءالله(س) تکمیل شد و جهان آفرینش را برای بار چهارم درخشان نمود.

پس از آن، با کاهش درجات نور، نور دیگر انسانها به ترتیب مقام خلوص خلق شد. در اینجا بود که تمامی انوار الهی انسانها به ترتیب مقام خلوص خلق شد و امر خداوند در عالم نور به اتمام رسید.

پس، مریبان، اساتید و راهنمایان ما انسانها، کسانی هستند که از انوار درخشان‌تر و خالص‌تری برخوردار می‌باشند. زیرا اینان، صراط مستقیم و راه وصال به حضرت حق می‌باشند.

۱۴۰- اطاعت خالصانه از دستورات خداوند متعال، عشق و محبت خداوند بخشنده مهربان را در دل انسان ایجاد می‌کند.

۱۴۱- مساجد و مخصوصاً امامزاده‌ها، مکانهای مقدسی هستند که فرشتگان از عالم ملکوت دائماً به آن مکانها در رفت و آمد می‌باشند. به همین خاطر، بهترین مکان برای کسب آرامش، ظرفیت، معرفت، حکمت و نورانیت وجود انسان می‌باشد.

۱۴۲- عبادت و بندگی خداوند متعال، به جز خدمت خالصانه به خلق، آن هم فقط برای رضایت خداوند بخشنده مهربان، نمی‌باشد.

۱۴۳- «تز جامع» یک مکتب، سبک، سیستم، طریقت، دانش و آگاهی جدیدی می‌باشد که برای پیشرفت انسانها در همه زمینه‌ها و ابعاد جسمی، ذهنی و روحی، و در تمامی امور زندگی دنیوی و اخروی، کاربرد دارد. «تز جامع» می‌گوید: بدون تعصب، پیش‌داوری و قضاوت باید به محیط پیرامون خود نگریست؛ و تمامی مشاهدات خود را بدون هیچ‌گونه تغییری، مورد بررسی قرار داد.

«تز جامع» می‌گوید: در «مکتب جامع»، هر چقدر درجات شاگردان و اساتید بالاتر می‌رود، آنها، خدمتگذارتر، خاکی‌تر، زحمتکش‌تر، و متواضع‌تر می‌شوند. این است روحیه برگزیدگان جامع.

«جامع» به ما می‌گوید که: خداوند، انسان را اشرف مخلوقات خلق کرد. آنگاه به انسان امر کرد که، به تمامی آفرینش خداوند از روی تفکر و تعمق و تدبّر نگاهی ژرف نماید، شاید که رستگار شود. زمانی که خداوند به‌عنوان خالق، به مخلوق خودش دستور واضحی می‌دهد، پس تحمل و ظرفیت آنها هم در نظر گرفته است. زمانی که انسان به خودش بی‌اندیشد، که: از کجا آمده‌ام؟ منظور از خلقتم چیست؟ باید چه کاری انجام دهم تا رستگار شوم؟ به کجا می‌روم؟ و غیره، دیگر نمی‌تواند بی‌تفاوت و بی‌هدف در زندگی قدم بگذارد و به دام «روزمرگی» اسیر شود.

عاقل‌ترین و خردمندترین مردم کسی است که مفیدترین و جامع‌ترین علوم را برای پیشرفت و آگاهی خود، از اهل فن آن علم، فرا گرفته و در نزد خود گردآوری نموده باشد؛ این شخص یک «دانشمند» است. دانشمندی که به علم خود عمل نماید، به حکمت خواهد رسید و «حکیم» می‌گردد.

عزیزان من، از روزی که به تز «جامع» وارد شدم، زندگی‌ام به‌طور چشم‌گیری متحول شده و «جامع» گردیده است. به همین خاطر، شما را به «جامع» شدن دعوت می‌نمایم. زیرا حداقل مزایای زندگی «جامع» همانا احساس امنیت و آرامش و توانایی در مقابل مشکلات می‌باشد. همچنین با وارد شدن به زندگی

«جامع» دیگر وقتی برای کارهای غیر ضروری و گناه کردن، نمی‌ماند. زیرا برنامه‌ریزی زندگی‌تان در دست خودتان می‌باشد، نه در دست دیگران. افراد «جامع» همیشه در یکی از وضعیت‌های زیر بسر می‌برند:

«آموزش دیدن، تدریس کردن، تحقیق کردن، بررسی کردن، تفکر کردن، تعمق کردن، تدبیر کردن، کسب علم و دانش و معرفت، مطالعه کردن، تجربه کردن، نت‌برداری، نوشتن تجربیات علمی و عملی خود، عمل کردن به علم خود، و غیره».

تجربه ثابت کرده است، افراد «جامع‌نگر» به امور زندگی دنیوی و اخروی بیشتر از دیگران مسلط بوده و توسط مهارتشان، بیشترین موفقیت را کسب نموده‌اند؛ زیرا، از آگاهی و دانش و تجربه بیشتری برخوردار بوده و کمتر دچار اشتباه می‌شوند. افراد «جامع‌نگر» هیچ‌گاه از کسی و یا چیزی ایراد نگرفته و مشکلات خودشان را روی دوش دیگران نمی‌اندازند؛ زیرا آنها معتقدند که: «برای مشکلات خود، یا راهی خوب پیدا خواهیم کرد، و یا راهی مناسب خواهیم ساخت».

۱۴۴- اگر روزی از من بپرسند که شما کیستید؟ و چه کاری دارید؟ خواهیم گفت:

یکی از بنده‌های کوچک خداوند متعال که به‌خاطر رضای خداوند بخشندهٔ مهربان، سعی می‌کنم خدمتگذار خوبی برای مخلوقات خداوند حکیم، به‌خصوص انسانها باشم؛ انشاءالله.

۱۴۵- عمر انسان همانند یک ساعت شنی وارونه، رو به کم‌شدن است، نه زیاد شدن.

۱۴۶- مراحل تحقیقات (تز- نوآوری- اختراع) به‌قرار زیر می‌باشد:

۱- عشق‌ورزیدن به کار ۲- کسب علم و دانش مربوطه ۳- تفکر در مورد کار جدید ۴- طراحی و تهیهٔ نقشهٔ اولیه از نوآوری جدید ۵- داشتن و کسب کردن تجربه در زمینهٔ کار مورد نظر ۶- بررسی نهایی طرح مورد نظر از لحاظ تئوری ۷- ساخت نمونهٔ اولیه ۸- آزمایش نمونهٔ ساخته شدهٔ اولیه در شرایط بسیار دشوار کاری ۹- راضی بودن از کارایی محصول ۱۰- تکثیر و تولید محصول ۱۱- پخش محصول تولید شده ۱۲- خدمات پس از فروش محصول.

۱۴۷- اگر دو نفر باهمدیگر همدل شوند (افراد باتقوی و پرهیزکار)، مطمئناً خداوند در آنجا حضور داشته و کمکشان خواهد کرد.

۱۴۸- سعی کنید ذهنتان را کاملاً باز و فعال نگهدارید، و از جر و بحث با دیگران پرهیز نمایید؛ زیرا ذهن باز و فعال، به انسان علم و آگاهی و قدرت می‌دهد؛ ولی جر و بحث، ذهن انسان را می‌بندد، و به انسان پوچی و بی‌ثباتی می‌بخشد.

۱۴۹- با هربار رفتن به اماکن مقدسه (مثل: حرم امامزاده‌ها(ع) و پیامبران(ص) و امامان معصوم(ع)، آنها هم با قلب سلیم و نیت پاک، و با خواندن نماز و دعا و قرآن کریم، حدوداً پنج‌درصد به انسانیت ما اضافه می‌گردد. به شرطی که بعد از خروج از اماکن مقدسه، بتوانیم آن انرژیهای الهی و نورانی را با گفتارنیک و کردارنیک و پندارنیک حفظ نماییم.

۱۵۰- عقب‌نشینی از روی حکمت و درایت از دیدگاه فرمانده و طراح نقشه‌های جنگی، شکست نیست؛ بلکه تاکتیک جنگی بوده و یکی از تکنیک‌های آیین‌رزم برای رسیدن به پیروزی است.

۱۵۱- افتخار یک استاد جامع، به داشتن تعداد زیاد شاگردانش نیست (سیاهی لشکر). بلکه به ساختن اساتید والامقامی است که خالصانه و خاضعانه و متواضعانه، تنها برای رضایت خداوند حکیم، مشغول خدمت به آفریده‌های خداوند متعال می‌باشند (انسان‌های جامع).

- ۱۵۲- برای از بین بردن تاریکی و جهل، فقط کافیس‌ت‌که، شمع و چراغ نور و آگاهی الهی را در قلب خود و اطرافیانمان روشن کنیم.
- ۱۵۳- اشک درون یک انسان عارف الهی، مانند مرواریدی در دل صدف، آرام ولی پُر اُبّهت و گرانبه‌ا می‌باشد.
- ۱۵۴- کسی که به نور الهی دسترسی پیدا کند، خداوند متعال، دو بال پرواز به سوی ملکوت الهی را به او هدیه می‌دهد.
- ۱۵۵- تمامی کارهای خوب و مثبت، توسط الهامات درونی، از جانب خداوند متعال، به ما انسانها هدیه داده می‌شود؛ و تمامی کارهای بد و منفی، توسط القائات بیرونی، از جانب شیطان رجیم و نفس شیطانی، به ما تحمیل می‌شود.
- ۱۵۶- انسانها اگر خاضعانه و خاشعانه و خالصانه، به خودشناسی و خدانشناسی واقعی نرسند، نمی‌توانند به حقیقت واقعی اشیاء در دو جهان فانی و باقی (دنیا و آخرت) دسترسی پیدا کنند.
- ۱۵۷- با بالا بردن سطح آگاهی الهی، زاویه دید شخص هم تغییر خواهد کرد.
- ۱۵۸- همانا افکار مثبت، کلید گشایش درهای بسته برای علم‌آموختن می‌باشد.
- ۱۵۹- بزرگان می‌گویند: نگاه نکن، کی می‌گه؛ بلکه، نگاه کن، چی می‌گه. ولی خردمندان می‌گویند: نگاه نکن، کی، چی می‌گه؛ بلکه، نگاه کن، چه کار می‌کنه.
- ۱۶۰- حجامت، مانند تیغ دو لبه می‌باشد: یک لبه آن، دست حکیم و لبه دیگر آن، دست شخص نادان می‌باشد. قسمت (سمت) مربوط به حکیم، درمانگر و شفا دهنده است؛ و قسمت مربوط به نادان، بیماری‌زا و مرگ‌آور است.
- ۱۶۱- سخنان حکمت‌آموز از درون قلب مؤمن طراوش می‌کند؛ ولی سخنان معمولی از فکر و زبان افراد عامی بیرون می‌آید.
- ۱۶۲- سخنان حکمت‌آموز از طریق ندای درونی و چشم‌دل (چاکرای چهارم - چاکرای قلب) شخص مؤمن طراوش می‌کند. ولی سخنان معمولی از طریق ندای بیرونی و زبان جسمانی (دانش ادبی) عموم مردم بیرون می‌آید.
- ۱۶۳- عمر کوتاه است و زمان کیمیا و بدن ناتوان و راه طولانی و توشه آخرت ناچیز.
- ۱۶۴- هیچگاه به سمت نفرت نروید؛ زیرا در این مسیر، راه برگشتی وجود نخواهد داشت.
- ۱۶۵- علمی که همراه با انرژی الهی باشد، در قلب جایگزین می‌شود.
- ۱۶۶- ذهن منفی و مخرب، هیچگاه نمی‌تواند خلاق و آبادگر باشد.
- ۱۶۷- در وضعیت نماز، با سجده‌های طولانی از روی خلوص نیت، کارهایتان را به خداوند متعال بسپارید. زیرا، او تنها و کیلی است که می‌تواند کارهای‌تان را سهل و آسان کند.
- ۱۶۸- برای هر شخص، یک کتاب راهنما وجود دارد، و هر شخص دارای دنیایی اسرارآمیز می‌باشد که باید خودش به اسرار و رازهای فراوان آنها پی ببرد، و لاغیر.
- ۱۶۹- هر چقدر خلوص نیت و خلوص قلبتان بیشتر باشد؛ احتمال درمان بیماری‌هایتان بیشتر و بیشتر خواهد شد.
- ۱۷۰- برای وارد شدن به حریم امن الهی، باید ابتدا خودتان را پالایش کنید؛ در غیر اینصورت، به هیچ‌جا نخواهید رسید.

۱۷۱- استاد سیر و سلوک الی‌الله می‌فرماید:

مسافران عزیز! ابتدا سوار سفینه نجات (خداشناسی) شده، و بعد از اینکه سر جاهای خودتان (خودشناسی) نشستید، کمربندهای ایمنی (ولایت) خود را محکم ببندید، و از مناظر دیدنی اطراف خود به همراه صدای دلنشین راهنمایان (استاد- هادی) بیشترین استفاده و لذت را ببرید.

بعد از اینکه مسافرتان تمام شد، استاد سیر و سلوک الی‌الله می‌فرماید:

مسافران عزیز! مسافرت خودشناسی و خداشناسی شما به اتمام رسید، شما موفق به دریافت نور الهی شده‌اید، آگاهی الهی‌تان مبارکتان باد.

لطفاً پیاده شوید و به بخش تحویل سفینه مستقل برای خودتان بروید. زیرا از این به بعد شما باید راهنمای کسانی باشید که می‌خواهند به سفر سیر و سلوک الی‌الله بروند.

امیدوارم سفر خوش و پرباری داشته باشید.

۱۷۲- کسانی که وارد حریم سیر و سلوک الی‌الله می‌شوند، مستقیماً خود خداوند حکیم و دانا، نظر لطفی به ایشان خواهد نمود.

۱۷۳- در تمام مراحل زندگی شخصی‌تان، هر کار را با ذکر خداوند متعال شروع کنید و کالبد سه‌گانه‌تان (جسم، ذهن و روح) را پالایش کنید. در غیراینصورت، نه تنها به هیچ‌جا نمی‌رسید، بلکه به ورطه هلاکت می‌افتید.

۱۷۴- هر کس دارای یک مأموریت ویژه از طرف خداوند متعال می‌باشد که باید به‌نحو احسن به پایان برساند؛ مهم نیست که در کجای آفرینش هستیم و دارای چه شغلی می‌باشیم، مهم این است که با تمام وجودمان به آن شغل عشق بورزیم و خالصانه آنرا به اتمام برسانیم. این است آیین مؤمنین به خداوند قادر مطلق و بخشنده مهربان.

۱۷۵- خواندن نماز جامع، چشم دل و بصیرت، انسان را باز می‌کند.

۱۷۶- نهج‌البلاغه، دروازه ورودی درک و فهم قرآن است.

۱۷۷- مملکتی که در آن، دانش‌آموزان و معلم‌ها و دانشجویان و شاگردان و اساتیدش، نتوانند علم خود را بصورت مکتوب و قابل درک و عمل بنویسند، آن مملکت هیچگاه پیشرفتی نخواهد کرد و همیشه عقب‌افتاده خواهد ماند. پس تا دیر نشده، ابتدا به‌فکر کسب علم و دانش و معرفت باشید، و پس از به‌نتیجه رسیدنش، آن علم را بصورت کامل و خوانا و قابل درک و فهم طوری بنویسید که دیگران هم بتوانند با کمترین زحمت و هزینه، مخصوصاً در کوتاهترین زمان، به آن نتیجه برسند. فقط در این‌صورت است که کشورها پیشرفت خواهند کرد؛ و اینکار میسر نخواهد شد، إلا با تلاش و کوشش شبانه‌روزی همگانی، و مخصوصاً با روحیه‌ای مملو از عشق‌الهی به آبادانی، برای رسیدن به سلامتی (جسمی و ذهنی و روحی) و آرامش و امنیت بشریت.

۱۷۸- تائوی شادی و تفکر، موجب تکامل ما انسانها می‌شود.

۱۷۹- انسانی که ضعیف شده و انرژی‌اش را از دست داده، با خواندن و عمل کردن به سخنان حکمت‌آموز جامع، انرژی گرفته و شاداب می‌شود.

۱۸۰- حفاظ درونی، بهترین حفاظ انسانهای وارسته برای دفع حیل‌های شیطان می‌باشد.

۱۸۱- همیشه با کسانی معاشرت کن که به تو حس خوب می‌دهند، و تو هم همچنین به آنها حس خوب بده، و به مانند آینه باش، صاف و صادق. این است آیین خردمندان جامع.

۱۸۲- با خواندن کتابهای الهی، نوری از طرف خداوند متعال در وجودتان خواهد درخشید. صراط‌المستقیم، یعنی، با سرعت مطمئنه در اتوبان سیر و سلوک الی‌الله، حرکت کردن.

- ۱۸۳- انسانها با کوشش و سعی و تلاش و مثبت‌اندیشی مداوم، به جایگاه والا و مناسب خواهند رسید، نه با حرافی و تنبلی و منفی‌بافی.
- ۱۸۴- شاگرد به مرز استادی نمی‌رسد، مگر اینکه، آنچه را آموخته، در عمل بکار گرفته و تجربه کسب نماید.
- ۱۸۵- انسانهای بالیمان، قوی، خردمند و صبور، همیشه موفق و پیروز می‌شوند.
- ۱۸۶- مکانها به خودی‌خود انرژی ندارند؛ بلکه این، انسانها هستند که به مکانها، هویت و انرژی می‌دهند.
- ۱۸۷- احساس امنیت، شادی، شغل مناسب، اجتماع مثبت‌اندیش، تغذیه سالم ... و ایمان به خدا، سیستم ایمنی بدن را بالا می‌برد.
- ۱۸۸- اگر ما زمان حال را خوب مدیریت کنیم، هیچگاه در آینده، دچار مشکل نخواهیم شد. زیرا، فرداها را ما با دستان خودمان در همین امروزها می‌سازیم. آینده بجز زمان حال در فرداها، و گذشته بجز زمان حال در دیروزها، نیست. پس، همیشه و در همه‌حال، زمان حال را دریابید.
- ۱۸۹- آینده بجز زمان حال در فردا، و گذشته بجز زمان حال در دیروز، نیست.
- ۱۹۰- موسیقی، روح آدم را جلا می‌دهد و انسان را وارد حیطة متافیزیک و خودشناسی و خداشناسی می‌کند. لطافت، یکی از صفات خداوند متعال می‌باشد، و ما می‌توانیم توسط روح درونی و اصیل موسیقی، به لطافت انسانی خودمان برسیم.
- ۱۹۱- آگاهی، نوری الهی است که ما را بطرف خودشناسی و خداشناسی هدایت می‌کند.
- ۱۹۲- خداوند، فقط در تن و روان انسانهای پاک، خانه می‌کند. در واقع، خانه اصلی خداوند، در چشم دل و بصیرت انسانهای پالایش‌شده، می‌باشد.
- ۱۹۳- تنها چیزی که باعث تقویت یا تضعیف ذهن می‌شود، تقویت و تضعیف ایمان (به خدا) می‌باشد. وقتی ذهن انسان خراب باشد، مرتکب بیشترین اشتباهات شده، و خطرها و ضررهای زیادی نیز به او می‌رسد. اگر ذهن را از تمامی بدیها پاک کنیم، همه‌چیز درست می‌شود.
- ۱۹۴- تغییرات خوب و مفید و سالم، برای خلاص شدن از زندگی یکنواخت، و بالابردن سطح زندگی، ضروریست.
- ۱۹۵- فلسفه و کارایی هر علمی، با علوم دیگر فرق می‌کند، و نباید با یکدیگر مقایسه شوند. هر کدام، سر جای خودش، زبینه و مفید است. این سخن، برای دانشمندان و خردمندان، به مانند کلیدی برای درهای بسته می‌باشد.
- ۱۹۶- نوای دل‌انگیز موسیقی، انسان را با طبیعت آشتی می‌دهد و باعث می‌شود که انرژیهای نهفته‌شده در قسمت‌های درونی و پنهان انسان فعال شود.
- کسانی که توسط موسیقی عرفانی، به انرژیهای درونی خودشان دسترسی پیدا می‌کنند، شیفا می‌یابند. خداوند متعال، تمامی جهان را براساس آوای موسیقایی خلق کرده است. زبان مشترک همه مخلوقات خداوند متعال، امواج موسیقی می‌باشد.
- بوسیله امواج موسیقی عرفانی و عشق به خدا (ذکر الهی)، می‌توان بیماران را شیفا داد.
- ۱۹۷- انسانیت، از تمامی دین‌های جهان، بالاتر است.
- دین، بدون انسانیت، جهنمی بیش نیست.
- انسانیت یعنی، گفتار و پندار و کردار نیک.
- انسانیت یعنی، مهر و محبت و بخشش.
- انسانیت یعنی، شاد زیستن.

- انسانیت یعنی، درست و سالم و ساده زندگی کردن.
- انسانیت یعنی، حریم و عزت و احترام مخلوقات خداوند را رعایت کردن.
- انسانیت یعنی، دور بودن از حرص و ریاکاری و دروغ‌گویی.
- انسانیت یعنی، صادقانه خدمت کردن به مخلوقات خداوند متعال.
- انسانیت یعنی، وجدان الهی داشتن در تمامی کارها.
- انسانیت یعنی، آبادانی کره زمین.
- ۱۹۸- انسانهای جامع‌نگر، به‌مانند پروردگار عالم، همیشه در حال خلق یک اثر می‌باشند.
- ۱۹۹- کار مفید، شیره وجودی انسانهای خدا پرست واقعی می‌باشد.
- ۲۰۰- کار به همراه دانش، انسان را قدرتمند و غنی می‌کند.
- ۲۰۱- انسانهای خوب و غیرتمند، تا آخرین لحظه عمرشان، برای آبادانی کره زمین، کارهای مفید از روی علم و دانش انجام می‌دهند.
- ۲۰۲- کوهستان، بهترین مکان برای ساختن بیمارستان می‌باشد.
- ۲۰۳- همان‌طوری‌که غذا، جسم انسان را تازه و زنده نگه‌می‌دارد؛ موسیقی هم، روح انسان را زنده و لطیف نگه‌می‌دارد.
- و همانگونه که جسم به تنوع غذایی نیاز دارد؛ غذای روح نیز باید متنوع باشد تا کسالت و افسردگی، گریبانگیر انسان نشود.
- ۲۰۴- روح انسان‌های طالب فیض، با تلاوت قرآن کریم، سیراب می‌شود.
- ۲۰۵- هفتاد درصد بیماری‌های جسمی، ریشه در روح و روان انسان دارد.
- ۲۰۶- سجده، زیباترین شاهکار انسان است.
- ۲۰۷- همان‌گونه که هنرمندان، با نقاشی، موسیقی و کلمات، اثر هنری خلق می‌کنند، ماساژدهنده نیز می‌تواند با ترکیب حرکات ماساژ، یک اثر درمان‌کننده خلق کند. اما شرط خلق اثر، عشق و علاقه و پشتکار است.
- ۲۰۸- انسان‌های بزرگ، وارسته و خردمند، نه خود را گم می‌کنند، و نه خود را پیدا می‌کنند؛ آنها خودشان را می‌سازند.
- مهم:** این مقاله توسط اینجانب مدیریت سایت استاد یحیایی (مهندس امیر نعمتی)، از روی جملات قصار و پندآموز عرفانی، که توسط الهامات درونی، از عالم بالا، به استاد «محمد‌رضا یحیایی» به‌صورت سخنان حکمت‌آموز جامع عطا شده، تهیه شده است؛ باشد که راه‌گشای سیر و سلوک طالبین سیر الی‌الله واقع گردد؛ انشاءالله.
- [برای دانستن بیشتر در این خصوص، می‌توانید از مطالب کتاب «در محضر استاد (زندگینامه استاد محمد‌رضا یحیایی) (جلد ۲)» نویسنده: مهندس امیر نعمتی «بهره‌مند شوید»]

از خدا خواهیم توفیق عمل صالح جامع
بنیانگذار «انستیتو بین‌المللی جامع برگزیدگان ایران»
محمد‌رضا یحیایی